

## اصول و مبانی همگرایی امت اسلامی از منظر قرآن

مجید صالحی<sup>۱</sup>

دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۸



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های بنیادین اسلام

۷۳

اصول و مبانی همگرایی امت اسلامی از منظر قرآن

### چکیده

امروزه مهم‌ترین فرایند سیاسی در ارتباط با جوامع اسلامی بخصوص خاورمیانه، روابط منازعه آمیز دولت‌های اسلامی است، تاجایی که واگرایی و منازعه در طی چند دهه اخیر همواره بر فرایند همگرایی میان دولت‌ها و جوامع اسلامی غلبه نموده است. این منازعه به‌طور کلی در دو سطح داخلی میان قومیت‌ها و فرقه‌های مختلف جوامع اسلامی و در سطح بیرونی در تعاملات بین دولتی نمود داشته است. در این راستا، به نظر می‌رسد که شناخت اصول و مبانی قرآنی در ارتباط با تنظیم روابط میان دولت‌ها و جوامع اسلامی در راستای همگرایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، این پژوهش هدف خویش را بر محور بررسی این پرسش قرار داده است که مهم‌ترین اصول و مبانی قرآن به‌عنوان منبع اصلی دین اسلام در راستای همگرایی میان جوامع اسلامی چیست؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اسلام اصل روابط میان جوامع اسلامی را بر مبنای همگرایی و اتحاد قرار داده است و ریشه‌هایی واگرایی را در عدم درک درست و واقعی از اسلام و تعلقات و برتری‌جویی که با اهداف و تعالی انسانی تناسب ندارند، می‌داند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها کتاب‌خانه‌ای و اینترنتی است.

**واژه‌های کلیدی:** قرآن، همگرایی، جهان اسلام، تفرقه، مسلمانان.

## طرح مسئله

صلح و ثبات بین‌المللی همواره از دغدغه‌های کنونی جامعه بین‌المللی بوده که در شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل در واکنش به جنگ‌های جهانی اول و دوم نمود پیدا کرد؛ اما علی‌رغم شکل‌گیری نهاد فراگیری همچون سازمان ملل، بازهم پدیده جنگ و تعارض به‌عنوان یکی از مشخصه‌های کنونی نظام بین‌الملل تعریف شده است. در واقع، علی‌رغم تلاش‌های بین‌المللی در قالب سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری، جامعه بین‌المللی در رسیدن به یک صلح موفق نبوده است؛ اما مهم‌ترین وجه کنونی نظم بین‌المللی، وجود تعارضات و درگیری‌های مسلحانه در کشورهای اسلامی چه در سطح داخلی کشورها و چه در سطح بین‌دولتی است که بارزترین نمونه‌های آن، درگیری‌های سوریه، عراق و یمن است. در نتیجه، وجود این درگیری‌های گسترده، تصویری از اسلام را در نگاه غربی و بعضی از پژوهشگران ایجاد نموده است که اسلام برنامه مشخصی برای صلح و همگرایی بخصوص میان جوامع و امت اسلامی ندارد؛ اما با یک نگاه واقع‌بینانه و حقیقت‌طلب، می‌توان به این نتیجه رسید که نه تنها اسلام دین سازش و صلح‌طلبی است، بلکه اصول و مبانی گسترده‌ای در راستای همگرایی بخصوص همگرایی میان جوامع اسلامی دارد که در قرآن و سنت نمود پیدا کرده است.

از طرف دیگر، در فرهنگ قرآنی، امنیت مفهومی وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود. در این راستا، اسلام بر الگویی از امنیت تأکید می‌کند که با اقتدار، انسجام، وحدت، ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت را علاوه بر بعد امنیت خارجی، استحکام درونی امت اسلامی می‌داند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸). در واقع، استحکام و اتحاد درونی جوامع اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا، این پژوهش با یک رویکرد جامع به دنبال شناسایی مبانی و اصول همگرایی میان جوامع اسلامی از منظر فرهنگ، ارزش‌ها و بایدهای قرآنی می‌باشد. پرسش محوری این پژوهش بر این مبنا است که مهم‌ترین اصول و مبانی قرآن به‌عنوان منبع اصلی دین اسلام در راستای همگرایی میان جوامع اسلامی چیست؟ فرضیه این پژوهش بر این مبنا است که اسلام اصل روابط میان جوامع اسلامی را بر مبنای همگرایی و اتحاد قرار داده است و ریشه‌های واگرایی را در عدم



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية تراسل العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های باسی جهان اسلام

درک درست و واقعی از اسلام و تعلقات و برتری‌جویی که با اهداف و تعالی انسانی تناسب ندارند، می‌داند. برای اثبات این فرضیه، این پژوهش اصول و مبانی همگرایی را از منظر قرآن مورد بررسی قرار خواهد داد.

## ۱- دین و روابط بین‌الملل

از قرارداد وستفالی (۱۶۴۸) تحلیل‌گران سیاست بین‌الملل و دیپلمات‌ها بر روی اتحاد و برخورد میان ملت- کشورهای حاکم تأکید داشته‌اند که در آن کشورها بر اساس منافع ملی عمل می‌کنند؛ در این میان دین تنها به امور شخصی و حیطه‌های ایدئولوژی محدود شده بود. آثار نظام وستفالی در نظام عمدتاً اروپایی جنگ اول جهانی به‌خوبی هویدا است. در پایان جنگ جهانی دوم پارادایم جنگ سرد باز بر اساس محوریت ملت - کشورها شکل گرفت؛ ولی نظام بین‌الملل پس از فروپاشی دیوار برلن دربرگیرنده مجموعه پیچیده‌تری از بازیگران جهانی از جمله گروه‌بندی‌های قومی و قبیله‌ای، سازمان‌هایی بین‌المللی و فرامرزی و... می‌باشد. بعد از جنگ سرد و رشد فرایند جهانی شدن، پارادایم جدیدی در روابط بین‌الملل بر محوریت دین و معناگرایی در نظام بین‌الملل شکل گرفت که در این فرآیند (جهانی شدن)، ادیان بزرگ و بالأخص دین اسلام در ابعاد مختلف زندگی بشری (اقتصاد، فرهنگ، سیاست) و همچنین معادلات نظام جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵). بازگشت دین به عرصه نظام بین‌الملل باعث شده تا این موضوع از منظرهای گوناگون و جدیدی مورد مطالعه دانشگاهیان، دانش‌پژوهان و صاحب‌نظران مختلف قرار گیرد. اسلام با داشتن پارامترهای قدرتی مهم و تأثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل، مهم‌ترین دین مطرح در این مباحث فکری محسوب می‌شود (جانز و لاهود، ۱۳۸۹: ۱۶).

در دهه‌های گذشته اصول‌گرایی دینی به عامل تأثیرگذاری مهمی هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌الملل تبدیل شده است. دین سیاسی شده جایگاه خود را در عرصه سیاست بین‌الملل پیدا کرده است. بنیادگرایی بانگیزه دینی و تنازع بین‌المللی بر روی موضوعات حقوق بشری از جمله حقوق بشر دینی از همه بیشتر در موضوعات سیاست بین‌الملل مطرح می‌باشد. به‌علاوه موضوعات و مسائل فرامرزی مانند حقوق بشر زنان و طرح کنترل موالید در خانواده نیز دارای وجوه دینی هستند و موضوعاتی مانند تروریسم، اصول‌گرایی دینی و اسلام



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسة العالم الإسلامي  
فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

سیاسی با تأکید بیشتری مورد مطالعه قرار می‌گیرند (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹: ۳۱). یورگن مایر پنج سناریو را برای آینده دین و سیاست ارائه می‌کند که مثبت‌ترین آن معالجه سیاست به‌وسیله دین است، و به این تناقض اشاره می‌کند که اگرچه دولت‌های مدرن اغلب از لحاظ اخلاقی فاسد دانسته می‌شوند و از لحاظ معنوی در خلأ هستند ولی سکولاریسم به‌وسیله دین و ارزش‌های آن تعدیل می‌شود. برای نزدیک‌تر کردن دین و سیاست خطرات کمتری وجود دارد تا این‌که وضعیت فعلی در مورد سکولاریسم باقی بماند (هانسون، ۱۳۸۹: ۳۷۰). در مجموع، به نظر می‌رسد که دین و بخصوص دین اسلام امروزه به‌عنوان یکی از پارادایم‌های اصلی در صحنه روابط بین‌الملل تبدیل شده است که رویکرد آن از اهمیت برخوردار است.

### ۱-۱- اسلام و روابط بین‌الملل

قبل از ظهور اسلام، رقابت امپراطوری‌های جهانی بخصوص رقابت امپراطوری ساسانی و روم، پویایی‌های سیاسی بخش وسیعی از گستره جهانی را شکل می‌داد؛ اما با ظهور اسلام، ماهیت تعاملات جهانی به‌طور فزاینده‌ای تغییر نمود. حضرت محمد (ص) پس از بعثت، از هدفمندی حیات، از برابری انسان‌ها در خلقت و پیشگاه الهی، یکسانی آنان در پیشگاه حکومت، بطلان و نفی امتیازها و تفاخرات قومی و نژادی، قسط و عدل و... سخن می‌گفت (چلونگر، ۱۳۲۲: ۱۳۸۰). دوران بیست‌وسه‌ساله رسالت پیامبر (ص) را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد:

**الف- دوره ملت‌سازی:** در این دوره پیامبر در مکه اقامت داشتند و سیزده سال نبوت را در برمی‌گیرد. شالوده‌های اساسی اخلاقی و اعتقاد امت اسلامی با پشتوانه عظیم آیات الهی در قالب آیات مکی شکل گرفت.

**ب- دوره دولت‌سازی:** خاتمه دوره تکوین ملت‌سازی و پایان سیزده سال دعوت در شرایط ناامن و تهدید و فرارسیدن عصر «یسر» وظایف و اقدامات نوینی را در مقابل پیامبر (ص) و مسلمانان قرارداد. پیامبر اکرم (ص) به‌وضوح می‌دانست که یثرب به‌عنوان یک دولت اسلامی، به‌زودی از سوی عوامل بیرونی و درونی تهدید خواهد شد (زرگری نژاد، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۸)؛ اما بعد از وفات پیامبر (ص) همچنان اسلام به‌عنوان یک عنصر حیاتی در تعاملات جهانی نقش‌آفرین بود و امروزه نیز به‌عنوان یک پارادایم مسلط در صحنه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود.



همچنین، طلوعه انقلاب اسلامی ایران که در قالب یک حرکت مردمی و ناب شکل گرفت و با تکیه بر ارزش‌های اسلامی خواستار ایجاد شکل جدیدی از روابط میان ملل جهان بود نه تنها نقطه عطفی در تاریخ تحولات ایران بلکه نقطه عطفی در همه جهان محسوب می‌شود. احیای اسلام مهم‌ترین ثمره انقلاب اسلامی ایران است. با این حرکت عظیم، جهان اسلام پویایی نوینی یافت که پس از مدتی آثار آن به‌خوبی در لبنان، افغانستان، ترکیه، الجزایر، عراق و سایر کشورهای اسلامی به‌خوبی احساس می‌شد. تفکر بازگشت به اسلام ناب جوهره تفکر همه این حرکت‌ها محسوب می‌شود (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹: ۲۶۲). اسلام‌گرایی به‌عنوان یک حرکت تأثیرگذار و قدرتمند در خاورمیانه از جایگاه و نقش مهمی در روند تحولات بین‌المللی به‌ویژه طی سال‌های اخیر برخوردار بوده است. گستره فکری و عملیاتی حرکت‌های اسلامی به‌قدری وسیع است که نمی‌توان همه این حرکت‌ها را در یک چارچوب قرار داد. بین حرکت‌ها اشتراکات فکری و عملیاتی زیادی وجود دارد و عامل همه آن‌ها اسلام است، ولی تفاسیر متفاوت از اسلام سبب تفاوت‌هایی میان آن‌ها شده است (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۷۱۶). اسلام‌گرایی عمدتاً به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که در آن از دیدگاه ایدئولوژیک اسلامی در حیطه موضوعات اجتماعی و سیاسی استفاده می‌گردد. در این میان نمی‌توان گروه‌های تندرو و رادیکال را در جهان اسلام در قالب اسلام سیاسی تجزیه و تحلیل کرد بلکه این گروه‌ها در جهان اسلام در حاشیه هستند و این موضوع توسط برخی از اندیشمندان اسلامی نیز مطرح شده است. در واقع اسلام سیاسی آن جریان غیر خشونت‌آمیزی می‌باشد که خواهان شکل‌گیری نظام داخلی و بین‌المللی با توجه به ارزش‌های دینی - اسلامی و به شیوه مسالمت‌آمیز می‌باشد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷).

## ۲- رویکرد قرآنی به تفرقه و واگرایی در جوامع و امت اسلامی

همان‌طور که ذکر شد، وحدت و همگرایی در میان جامعه بشری بر مبنای دین الهی از جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار است تا جایی که در سراسر قرآن کریم، آیه‌های متعددی وجود دارد که بر ارزش والا و اهمیت همگرایی و زشتی اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان، تأکید دارد. از جمله، قرآن می‌فرماید:

«خداوند [آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه را بر تو وحی



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
مجتمع دراست العالم الاسلامی  
فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید؛ و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید!'.<sup>۱</sup> در واقع، دعوت و الزام مسلمانان به برپاداشتن دین و تفرقه نکردن در آن سفارشی است که به همه پیامبران اولوالعزم و صاحبان شریعت شده است، و پیامبران دیگر، کتاب و شریعت پیامبران اولوالعزم را تبلیغ می‌کنند، یعنی به همه پیامبران در طول تاریخ سفارش شده است که امت خود را به اتفاق و اتحاد دعوت کنند، زیرا اتفاق و اتحاد آن‌ها برای دشمنانشان سخت و گران است و اختلاف آن‌ها باعث خوشایند دشمنان است و اقامه دین تنها با حفظ وحدت است.

در این راستا، خدای سبحان درباره اوصاف بهشتیان در قرآن می‌فرماید: «ما هرگونه کینه و دشمنی را از دل‌های آنان زدودیم»<sup>۲</sup>

همچنین، قرآن مسلمانان را از تنازع و آثار شوم آن نهی فرموده است، چون تنازع، ضعف و سستی می‌آورد و با آمدن فشل و ضعف، عزت و شکوه آنان از بین می‌رود، بنابراین گرچه حفظ وحدت و تفرقه‌شکنی کاری بسیار دشوار است، این دشواری را باید تحمل کرد، چون خدا با صابران است و سرانجام در پرتو صبر و استقامت موفق خواهند شد<sup>۳</sup> (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۲۹۲)

قرآن کریم، اختلاف و تفرقه را در ردیف عذاب‌های آسمانی و صاعقه‌ها و زلزله‌ها قرار داده است و در این راستا می‌فرماید: «بگو، او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه‌گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند. بنگر، چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند»<sup>۴</sup>.

بر پایه استدلال قرآن، افراد جامعه خردورز باهم اختلاف ندارند، چنان‌که ممکن نیست اهل اختلاف، خردورز باشند. در این راستا قرآن می‌فرماید: «[آنان، به صورت] دسته‌جمعی، جز

۱. شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ (شوری/۳).

۲. وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ (اعراف/۴۳)

۳. وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (انفال/۶۷)

۴. قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (انعام/۶۵)



در قریه‌هایی که دارای استحکامات‌اند، یا از پشت دیوارها، با شما نخواهند جنگید. جنگشان میان خودشان سخت است. آنان را متحد می‌پنداری و [لی] دل‌هایشان پراکنده است، زیرا آنان مردمانی‌اند که نمی‌اندیشند<sup>۱</sup>». بنابراین، کسی که در تحلیل مسائل علمی و نظری زمینه نزاع و اختلاف را فراهم می‌کند، عقل نظری ندارد، چون قرآن کریم راه اختلاف را بسته است و اگر پس از فهمیدن حقیقت از هوا و هوس دست برنمی‌دارد، عقل عملی ندارد، چون خداوند از پیروی هواهای نفسانی نهی کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۲۸۸).

همچنین، زشتی اختلاف و تفرقه را از کلامی که از حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه درباره فرشتگان نقل شده متوجه می‌شویم: «فرشتگان درباره پروردگار خویش بر اثر وسوسه‌های شیطانی اختلاف نکرده‌اند و به سبب رفتار بد راه تفرقه را پیشه خویش نساخته‌اند، کینه‌ها و حسد‌ها در دلشان راه نداشته و عوامل شک و تردید و خواهش‌های نفسانی آنان را از یکدیگر جدا نساخته و افکار گوناگون آنان را به تفرقه نکشاده است» (دستی، ۱۳۹۴: ۱۱۶).

### ۳- جایگاه و ارزش اتحاد در مبانی و اصول قرآنی

همان‌طور که ذکر شد، خداوند سبحان در جاهای مختلف قرآن کریم، مسلمانان را از تفرقه و تنازع بازداشته است. در نتیجه، به نظر می‌رسد که اتحاد از جایگاه والایی در اصول و مبانی قرآن برخوردار است. در واقع، قرآن کریم الفت بین دل‌های مؤمنان را به خدا نسبت می‌دهد، یعنی اتحاد بین دل‌ها کار خداست. در این راستا، خداوند در قرآن می‌فرماید: «و دل‌های آن‌ها را باهم الفت داد، اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی؛ ولی خداوند در میان آن‌ها الفت ایجاد کرد، او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است»<sup>۲</sup>.

از دیدگاه قرآن، شیطان می‌خواهد بین مردم دشمنی و نفرت و اختلاف ایجاد کند، چون می‌فرماید: «و جز این نیست که شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. پس آیا شما دست برمی‌دارید؟»<sup>۳</sup>

۱. لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (حشر ۱۴)

۲. وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَا يَكُنَّ اللَّهُ الْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (انفال ۶۳)

۳. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (مائدة ۹۱)



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسة العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های بنیان اسلام

همچنین، خداوند پس از این که مؤمنان را به اتحاد و صلح فرامی خواند، آنان را از پیروی گام‌های شیطان نهی می‌کند، پس تفرقه و اختلاف، راه شیطان است. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید بدون هیچ اختلافی همگی تسلیم خدا شوید و زنه‌ار گام‌های شیطان را پیروی مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است».

برخی از فقها بر این باورند که اصل اختلاف در دین به منافقان منتهی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۵، ص ۳۰۳). می‌توان این مطلب را از آیه‌ای از قرآن استنباط کرد، که می‌فرماید: «[گروهی دیگر از منافقان] کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان [به مسلمانان] و [تقویت] کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود، آن‌ها سوگند یاد می‌کنند که، جز نیکی و خوبی نخواسته‌ایم، اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغ‌گو هستند».

از دیدگاه برخی از مفسران، از آیات (بقره: ۲۱۳؛ شوری: ۱۴) می‌توان این‌گونه برداشت کرد که گاهی برخی عالمان دینی که تقوای الهی ندارند، از روی ظلم و حسد و ریاست‌طلبی و پیروی شیطان، منشأ اختلاف در دین می‌شوند و همه مکتب‌ها و مذاهب غیر الهی، همچون وهابیت و بهائیت، ساخته و بافته عالمان ریاست‌طلب است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

بر اساس آیات قرآن کریم، فرعون پیرو شیطان و همه آن‌ها که مانند او هستند، با ایجاد اختلاف و تفرقه‌افکنی مردم را فرقه‌فرقه می‌کنند تا آن‌ها وحدت کلمه نداشته باشند و یکدل و یک‌جهت نباشند تا نتوانند بر او بشورند و علیه او قیام نمایند؛ و این ویژگی همه مستکبران است که چون می‌خواهند قدرت خود را گسترش داده و سلطنت خود را تقویت کنند، این نقشه را به کار می‌برند. در این راستا، قرآن می‌فرماید: «فرعون در زمین برتری‌جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را [برای کنیزی و خدمت] زنده نگه می‌داشت او به یقین از مفسدان بود».

پس برخلاف دیدگاه برخی‌ها، مذهب در میان بشر ایجاد اختلاف نکرده و خونریزی‌های فراوانی در طول تاریخ بار نیآورده است، مذهب همیشه عامل وحدت و یکپارچگی در محیط



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعة ترست العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره/۲۰۸)
۲. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (توبه/۱۰۷)
۳. إِنْ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص/۴)



خود بوده، همان‌گونه که در مورد اسلام و قبایل حجاز و حتی اقوام خارج از جزیره عرب تحقق یافت و به اختلافات پایان داد و امت واحدی ساخت.

از دیدگاه قرآن، یکی از کارهای شیطانی که باعث اختلاف می‌شود، خود را برتر دانستن از دیگران به واسطه نژاد، زبان، مال و مقام و غیره است. انسان‌ها در گروه‌ها و قبیله‌های گوناگون آفریده شده‌اند تا شناسنامه طبیعی آن‌ها باشد. (حجرات/۱۳) رنگ‌ها و زبان‌های مختلف انسان‌ها، آیه و نشانه قدرت خداوند است (روم/۲۲) انسان‌ها دارای استعدادها و سرمایه‌های متفاوت‌اند تا در آزمایش الهی و مسیر تکامل، به هم بهره برسانند (زخرف/۳۲). پس این امور باعث برتری بر دیگران نیست و ملاک برتری تقوا است آن‌هم نزد خداوند. (حجرات/۱۳).

همچنین، قرآن کریم مؤمنان را برادر یکدیگر می‌داند و از آن‌ها می‌خواهد تا بین برادرانشان صلح و آشتی برقرار نمایند. (حجرات: ۱۰) از امام علی (ع) نقل شده که فرموده‌اند: «شما بر اساس دین خدا باهم برادرید؛ چیزی جز دشمنی درون و بدی نیت، شما را از هم پراکنده نکرده است.» (دشتی، ۱۳۹۴: ۱۵۲)

رسول اکرم (ص) هنگام ورود به مدینه مسلمانان را دوه‌دو در راه خدا برادر یکدیگر کرد: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۶) و با ایجاد عقد اخوت میان مسلمانان و بین خود و حضرت علی (ع) و نیز میان دو قبیله «اوس» و «خزرج»، اتحاد و هماهنگی را تحقق بخشید.

#### ۴- اسلام و روابط با جوامع غیر اسلامی

اسلام دین صلح و آشتی و نیکی کردن و مهربانی و زندگی مسالمت‌آمیز با همه مردم جهان است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۲۰، ص ۱۰۳) اصل در اسلام، رفتار همراه با سلیم و آشتی با همه مردم است، مگر اینکه از ناحیه غیرمسلمانان، تعدی و تجاوز و ظلم نسبت به مسلمانان انجام گیرد. (قطب، ۱۴۱۲: ۳۵۴۵) قرآن کریم، نه تنها مسلمانان را به اتحاد با یکدیگر دعوت می‌کند بلکه آن‌ها را به همگرایی و وحدت جهان‌شمول فرامی‌خواند.

قرآن کریم، برای ایجاد مهربانی و زندگی بدون دشمنی و درگیری به جنبه‌های مشترک و وحدت توجه می‌دهد، به توحید و یکتاپرستی که سخن مشترک اهل کتاب و مسلمانان است فرامی‌خواند تا با توجه به جنبه‌های مشترک، آشتی و مهربانی افزون و دشمنی‌ها کاهش یابد. در این راستا قرآن می‌فرماید: «بگو، ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما



یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا به پرستش نگیرد. اگر آنان روی گردان شدند بگو شاهد باشید که ما مسلمان هستیم»<sup>۱</sup>.

از نظر قرآن، دین نزد خدا تنها اسلام است (آل عمران: ۱۹) و نبوت جز به یک دین دعوت نمی‌کند و آن دین توحید است، پس بشر امتی است واحد و دارای ربی واحد است و آن الله جلّ جلاله است (انبیاء: ۹۲) و دارای دین واحد و آن دین توحید است که در آن تنها خدا عبادت می‌شود. دعوت الهی همین است و بس ولیکن مردم این دین واحد را قطعه‌قطعه کردند (انبیاء: ۹۳) پس آنچه رایج است، ادیانی مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام است که دارای اصول مشترک فراوانند که اگر همه موحدان عالم حول آن اصول مشترک گرد آیند، بسیاری از عقاید شرک‌آلود، مانند تثلیث، وثنیت و رفتارهای ظالمانه اجتماعی رخت بر خواهد بست. قرآن کریم حتی مسلمانان را از رابطه مسالمت‌آمیز و نیکی و عدالت با کافران و مشرکانی که به جامعه اسلامی ضرری نمی‌رسانند نهی نمی‌کند. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند چراکه خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد»<sup>۲</sup>.

این آیه روشن‌کننده یک حکم کلی درباره معامله مسلمانان با غیرمسلمانان است و آن اینکه اگر غیرمسلمانان ضرری به مسلمانان نرسانده و به فکر ضرر و توطئه بر علیه آنان نیستند، مسلمانان می‌توانند با آن‌ها خوب باشند و نیکی کنند (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۲۴).

همچنین قرآن در جای دیگر، صلح و سازش بین دولت اسلامی و دولت کفر را مطرح کرده و می‌فرماید: «و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست»<sup>۳</sup>؛ و از قرآن می‌توان استنباط کرد که این پذیرش صلح در صورتی است که کافران به مسلمانان تهاجم و حمله‌ای نداشته باشند؛ زیرا اگر آنان حمله کرده و بعضی از مسلمانان را بکشند و اموالشان را به غارت ببرند، وظیفه مسلمانان مبارزه است، نه صلح. در این باره قرآن می‌فرماید: «پس هرگز سست نشوید و

۱. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران/ ۶۴)  
۲. لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الدِّينِ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه/ ۸)

۳. وَ إِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انفال/ ۶۱)



[دشمنان را] به صلحی [که برای شما ذلت بار است] دعوت نکنید درحالی که شما برترید و خداوند با شماست و چیزی از [ثواب] اعمالتان نمی کاهد<sup>۱</sup>].

همچنین در بعد سیره حکومت اسلامی، امام علی(ع) در نامه‌ای به مالک اشتر، به موضوع محبت انسانی اشاره کرده و می‌فرماید: «ای مالک، رحمت و محبت و لطف بر مردم جامعه را به قلبت بفهمان و برای آنان درنده‌ای خون‌خوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا همانند تو در آفرینش می‌باشند.» (دستی، ۱۳۹۴: ۴۰۲)

از دیدگاه فقهای اسلامی نیز، هنگامی که کافر با مسلمان زندگی مسالمت‌آمیز دارد، مسلمان حق تعرض به او را ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۲۰، ص ۱۰۵) یعنی کافرانی که به همزیستی در کنار مسلمانان رغبت داشتند و بی‌طرف بودند و زندگی مسالمت‌آمیز را پیش نهادند شما نیز بپذیرید. در این راستا خداوند در قرآن می‌فرماید: «پس اگر [برخی کافران] از شما کناره گرفتند، نه با شما شدند و نه با دشمن شما و اطاعت و تسلیم عرضه کردند، خدا برای شما علیه آن‌ها تسلطی نگذاشته است»<sup>۲</sup>.

قرآن کریم وقتی به همگرایی و صلح و نیکی و زندگی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانانی که تعدی و تجاوز به حقوق مسلمانان ندارند، فرمان می‌دهد، معلوم است که بر همگرایی و آشتی مسلمانان تأکید بیشتری دارد. همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ أَي كسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست»<sup>۳</sup>.

این آیه به مؤمنان می‌فرماید که در سلّم وارد شوند، سلّم هرچند مشتقات فراوان از مجرد و مزید دارد؛ لیکن جامع همه آن‌ها سلامت از آسیب نقص و آفت عیب اعم از ظاهری و باطنی است. (راغب، ۱۴۱۲: ۴۲۱) برخی سلّم را به معنای اسلام گرفته‌اند، یعنی به کلیت اسلام وارد شوید و غیر اسلام را با آن مخلوط نکنید. (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۳، ص ۲۲؛ حقی بروسوی، بی تا: ۳۲۵).

علامه طباطبایی داخل شدن در سلّم را به معنای تسلیم شدن در برابر امر خدا و رسول و

۱. فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَتْرُكُمُ أَعْمَالَكُمْ (محمد/۳۵)

۲. فَإِنْ اغْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ الْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا (نساء/۹۰)

۳. بقره/۲۰۸



چون و چرا نکردن در دین خدا دانسته‌اند که این مطلب به وحدت دینی می‌انجامد و اختلاف، نتیجه رها کردن راه خدا و پیروی از هوای نفس است. مراد از پیروی خطوات شیطان، در این آیه، پیروی او است در دعوت‌هایی که به‌عنوان دین می‌کند و باطلی را که بیگانه از دین است زینت داده و نام دین بر آن می‌گذارد و انسان‌های جاهل هم بدون دلیل آن را می‌پذیرند. با ورود در سلیم و بسنده کردن به دین خدا در اندیشه و رفتار، وحدت و سعادت دنیا و آخرت تأمین می‌شود و با خروج از سلیم و تصرف در آیات الهی وحدت دینی از هم‌گسسته و سعادت دنیا و آخرت از بین می‌رود. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۱۰۱).

فیض کاشانی نیز سلیم را به معنای تسلیم شدن و اطاعت می‌داند. (فیض کاشانی، ۱۳۷۳: ۲۴۲) فخر رازی گفته، اصل کلمه سلیم از انقیاد و اطاعت است و اسم سلیم به معنای صلح و ترک جنگ بیشتر به کار می‌رود چون در صلح هر کدام از دو طرف مطیع طرف مقابل شده و با او درگیر نمی‌شود. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۵۲) آقای جوادی آملی بر این استدلال است که سلیم از لحاظ فقه‌الغله به معنای انقیاد، طاعت، صلح، مسالمت و عدم تعرض به امنیت، آزادی، استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن است و کاربرد قرآنی آن نیز همان معنای معهود لغوی است. منظور از «سلیم» در این آیه، صلح و سازش و اتحاد و برادری در حوزه اسلامی میان مسلمانان و مؤمنان است؛ نه دعوت به اسلام. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۰، ص ۲۶۹) آقای مکارم نیز سلیم را به معنی صلح و آرامش گرفته‌اند. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۸۱) در آیه دیگری قرآن می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا و همگی به‌وسیله حبل خدا خویشان را حفظ کنید و متفرق نشوید». حبل الله همان قرآن و رسول خدا (ص) است. قرآن همان‌طور که فرد را بر تمسک به کتاب و سنت سفارش می‌کند به مجتمع اسلامی نیز دستور می‌دهد که به کتاب و سنت معتصم شوند. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۳۶۹)

## ۵- بایدهای رفتاری همگرایی از منظر قرآن

### ۵-۱ - رفتار زیبا و عادلانه

یکی از عوامل مهم در حفظ وحدت و صمیمیت و برادری بین مؤمنان، رفتار زیبا همراه با نرمی و محبت و احترام است. رفتار خشن و همراه با توهین و بی ادبی، کینه و دشمنی



و اختلاف را افزایش می‌دهد. قرآن درباره رفتار زیبای پیامبر گرامی اسلام (ص) با مردم می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ بِهِ مَرَحَمَتِ خُدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند<sup>۱</sup>».

فظ در لغت به معنی کسی است که سخنانش تند و خشن است و غلیظ القلب به کسی می‌گویند که سنگدل می‌باشد و عملاً انعطاف و محبتی نشان نمی‌دهد پس این دو کلمه گرچه هر دو به معنای خشونت است اما یکی غالباً در مورد خشونت در سخن و دیگری در مورد خشونت در عمل به کار می‌رود. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۱۴۱) چون پیامبر (ص) مظهر رأفت و رحمت خداوند است پس نه جفاکار بود و نه سنگدل، بلکه به فضل الهی رفتاری سرشار از عطوفت داشت، از این رو مردم به او دل بستند و وی را رها نکردند.

خداوند در قرآن به بندگانش دستور می‌دهد که بهترین سخن را بگویند: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ<sup>۲</sup>» و معنای عبارت الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ کلماتی است که احسن و از نظر مشتمل بودن بر ادب و خالی بودن از خشونت و ناسزا و توالی فاسده دیگر، نیکوتر باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۱۳، ص ۱۱۸) حتی با اهل کتاب نیز باید به نیکوترین وجه جدال کرد: «وَلَا تَجِدُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ<sup>۳</sup>» با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستمگرند.»

مجادله وقتی نیکو به شمار می‌رود، که با درشت‌خویی و طعنه و اهانت همراه نباشد و با نرمی و سازش همراه باشد، دیگر این که هر دو علاقه‌مند به روشن شدن حق باشند و در نتیجه هر دو با کمک یکدیگر حق را روشن سازند و لجاجت و عناد به خرج ندهند؛ و مراد از ستمگران اهل کتاب به قرینه سیاق این است که، معاند نباشد و نرمی و ملامت در سخن را حمل بر ذلت و خواری نکند. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۱۶، ص ۱۳۸)

در دعوت دیگران به سوی پروردگار نیز باید از موعظه حسنه و جدال احسن استفاده کرد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ<sup>۴</sup>» مردم را با حکمت و

۱. آل عمران/ ۱۵۹

۲. اسراء/ ۵۳

۳. عنکبوت/ ۴۶

۴. نحل/ ۱۲۵



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسة العالم الإسلامي  
فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های جهانی جهان اسلام

اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن». یکی از ویژگی‌های موعظه حسنه خوش اخلاقی و رعایت ادب و احترام است. و از خصوصیات جدال احسن، این است که از کلام زشت و بی ادبی اجتناب کرده و به مقدسات طرف مقابل توهین ننماید و او را به دشمنی و لجبازی وادار نکند. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۱۲، ص ۳۷۲).

قرآن حتی از دشنام به بت‌های بت پرستان، نهی می نماید و می فرماید: «و [شما مؤمنان] به آنچه مشرکان غیر از خدا می خوانند دشنام ندهید تا مبدا آنها از روی ظلم و جهالت خدا را دشنام دهند. این چنین ما عمل هر قومی را در نظرشان زینت داده ایم، سپس بازگشت آنها به سوی پروردگارشان است و خدا آنان را به کردارشان آگاه می گرداند.» از عموم تعلیلی که جمله کَذَلِكْ زَيْنًا لِّكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلُهُمْ آن را افاده می کند نهی از هر کلام زشتی نسبت به مقدسات دینی استفاده می شود (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۷، ص ۳۱۵).

در نهج البلاغه می خوانیم که علی (ع) به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در ایام جنگ صفین دشنام می دادند می فرماید: «من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را توصیف و حالات آنان را بازگو می کردید، به سخن راست نزدیکتر و عذر پذیرتر بود.» (دستی، ۱۳۹۴: ۳۰۴)

وقتی به مقدسات مخالفان اسلام حتی مشرکان نباید توهین کرد، پس لزوم عدم توهین به مقدسات و آنچه مورد احترام برادران مسلمان است، روشن است. قرآن کریم وقتی مؤمنان را از تعدی و ظلم به دشمنان خود نهی می کند پس نهی از تعدی به برادران ایمانی واضح است. در این راستا، خداوند در قرآن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است و از [معصیت] خدا پرهیزید، که او از آنچه انجام می دهید، باخبر است.»

در مجموع می توان استدلال کرد که از دیدگاه قرآن نباید کینه‌ها و عداوت‌های قومی و تصفیه حساب‌های شخصی مانع از اجرای عدالت و موجب تجاوز به حقوق دیگران گردد،

۱. وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ اِلَى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام/۱۰۸)  
۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ اقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مانده/۸)

زیرا عدالت از همه این‌ها بالاتر است. بغض و دشمنی با عده‌ای، نباید مؤمنان را وادار کند که برخلاف عدل و قسط رفتار کنند. رعایت عدل واجب است حتی نسبت به دشمن. اگر نسبت به کافر حق تعدی ندارید نسبت به مسلمان و مؤمن به طریق اولی حق تعدی ندارید.

## ۲-۵ - بخشش و گذشت

در آیاتی از قرآن کریم به بخشش و گذشت سفارش شده است. گذشت، کینه‌ها و دشمنی‌ها را کاهش می‌دهد و مانع اختلاف و درگیری بین مردم می‌شود. به‌عنوان مثال، خداوند در قرآن می‌فرماید: «و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به‌ملايِمَت پاسخ می‌دهند»<sup>۱</sup>.

قرآن کریم از قاتل به‌عنوان برادر صاحبان خون نام می‌برد و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، درباره کشتگان بر شما قصاص مقرر شد، آزاد در برابر آزاد و بنده در برابر بنده و زن در برابر زن. پس هر کس که از جانب برادر خود عفو گردد باید که با خشنودی از پی ادای خون‌بها رود و آن را به وجهی نیکو بدو پردازد. این حکم، تخفیف و رحمتی است از جانب پروردگارتان و هر که از آن سرباز زند، بهره او عذابی است دردآور»<sup>۲</sup>؛ و اگر قرآن از صاحبان خون تعبیر به برادران قاتل کرد برای این بود که حس محبت و رأفت آنان را به نفع قاتل برانگیزد و نیز بفهماند، در عفو لذتی است که در انتقام نیست (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۴۳۲).

یکی از ویژگی‌های پرهیزکاران و نیکوکاران که خدا آن‌ها را دوست دارد، فروبردن خشم و گذشت از مردم است. «وَ الْكٰظِمِيْنَ الْغَيْظَ وَ الْعٰفِيْنَ عَنِ النَّاسِ وَ اللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ»<sup>۳</sup> آنان که خشم خویش فرومی‌خورند و از خطای مردم درمی‌گذرند. خدا نیکوکاران را دوست دارد. کظم در لغت به معنای بستن سر مشکی است که از آب پر شده باشد و به‌طور کنایه در مورد کسانی که از خشم و غضب پر می‌شوند و از اعمال آن خودداری می‌نمایند بکار می‌رود. فروبردن خشم بسیار خوب است اما به‌تنهایی کافی نیست زیرا ممکن است کینه و عداوت را از قلب انسان ریشه‌کن نکند، در این حال برای پایان دادن به حالت عداوت باید کظم غیظ

۱. وَ عِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِيْنَ يَمْشُوْنَ عَلٰى الْاَرْضِ هَوْنًا وَّ اِذَا خٰطَبَهُمُ الْجٰهِلُوْنَ قَالُوْا سَلٰمًا (فرقان/۶۳)

۲. يَاۤ اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَتَبَ عَلَیْكُمْ الْقَصٰصَ فِى الْقَتْلِ الْخُرِّ بِالْخُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْاُنْتٰى بِالْاُنْتٰى فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ اَخِيْهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوْفِ وَ اَدِّاْءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسٰنٍ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ رَّبِّكَمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ اَعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ اَلِيْمٌ (بقره/۱۷۸)

۳. آل عمران/۱۳۴



توأم با عفو و بخشش گردد، لذا به دنبال صفت عالی خویشتن‌داری و فروبردن خشم، مسئله عفو و گذشت را بیان نموده است. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۹۷)

همچنین، آیه دیگری از قرآن که به مسئله بخشش و انفاق اشاره می‌نماید و نشان‌دهنده گستردگی مفهوم بخشش است می‌فرماید: «توانگران و آنان که گشایشی در کار آنهاست، نباید سوگند بخورند که به خویشاوندان و مسکینان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند. باید ببخشند و ببخشایند. آیا نمی‌خواهید که خدا شما را بیمارزد؟ و خداست آمرزنده‌ای ببخشاینده»<sup>۱</sup>.

جمعی از مفسران شأن نزولی نقل کرده‌اند و آن اینکه، این آیه درباره گروهی از صحابه نازل شد که بعد از داستان افک سوگند یاد کردند که به هیچ‌یک از کسانی که در این ماجرا درگیر بودند و به این تهمت بزرگ دامن زدند کمک مالی نکنند و در هیچ موردی با آنها مواسات ننمایند، آیه فوق نازل شد و آنها را از این شدت عمل و خشونت بازداشت و دستور عفو و گذشت داد. این شأن نزول را قرطبی در تفسیرش از ابن عباس و ضحاک، (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۳، ص ۲۰۷) و مرحوم طبرسی از ابن عباس و غیر او، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۱۰) ذیل آیات مورد بحث نقل کرده‌اند.

در تفاوت عفو و صفح گفته شده، عفو یعنی از مجازات کردن مجرم و گناهکار بگذری. صفح یعنی به آن جرم و گناه توجه نکنی و روی خود را به جانب دیگر بگردانی. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۴۸)

این آیه می‌آموزد که اگر مسلمانی دچار گناه و لغزشی شد، نباید او را طرد نموده، از همه کمک‌ها او را محروم ساخت، بلکه باید او را بخشید همان‌گونه که بخشش خدا را دوست داریم. خداوند غفور و رحیم و توبه پذیر است و از گناهان و بدی‌های بندگان خود می‌گذرد، همان‌گونه که در قرآن می‌فرماید: «و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می‌پذیرد و از گناهان درمی‌گذرد و آنچه می‌کنید می‌داند»<sup>۲</sup>. البته از نگاه قرآن کریم، مؤمنان نیز باید مظهر این اخلاق الهی باشند و از خطاکاران گذشت کنند و این کار جلوی دشمنی‌ها و کینه‌ها را می‌گیرد و وحدت و صلح و آشتی را بین مسلمانان افزایش می‌دهد.

۱. وَلَا يَأْتِلُ أَوْلُو الْفُضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةَ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لِيُعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا أَلَّا تَحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور/۲۲)

۲. وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ (شوری/۲۵)





خداوند به انسان‌ها در انتخاب دین اختیار و آزادی داده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» پس اکراه در دین و اعتقاد جایز نیست و نباید مردم را بر اعتقاد و ایمان مجبور کرد، البته اکراه تنها در مرحله افعال بدنی اثر دارد، نه اعتقادات قلبی. در مقابل گمراهان، تنها باید راه درست را بیان کرد، نه این‌که آن‌ها را به اعتقادات دینی مجبور ساخت. قرآن در این باره می‌فرماید: «و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می‌آوردند آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟»<sup>۱</sup>.

اگر بعد از بیان دین حق، کسی تسلیم آن نشد، نباید با او درگیر شد و باید قضاوت درباره او را به خدا واگذار کرد. قرآن به پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «پس اگر با تو، به چون و چرا برخاستند بگو من روی تسلیم به خداوند آورده‌ام و [نیز] هر کس از من پیروی کرده است [چنین است] و به اهل کتاب و درس ناخواندگان [مشرک] بگو آیا اسلام می‌آورید؟ آنگاه اگر اسلام آوردند که رهیاب شده‌اند و اگر روگردانند، بی‌گمان بر تو جز پیام‌رسانی نیست و خداوند به [حال] بندگان بیناست.»<sup>۲</sup>.

اما در برخورد با مسلمانان، همین‌که کسی شهادتین را بگوید و اظهار نماید مسلمان است کافی است و حق نداریم او را غیر مؤمن بنامیم. قرآن در این باره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا سفر می‌کنید [خوب] رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند مگویید تو مؤمن نیستی [تا بدین بهانه] متاع زندگی دنیا را بجوید، چراکه غنیمت‌های فراوان نزد خداست. قبلاً خودتان [نیز] همین‌گونه بودید و خدا بر شما منت نهاد. پس خوب رسیدگی کنید، که خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»<sup>۳</sup>.

در این راستا، به نظر می‌رسد که اسلام، ظاهر حال و گفتار افراد را معتبر می‌داند و مسلمانان حق تفتیش از باطن کسی ندارند، باطن هرکسی را خدا می‌داند و امر دل‌ها به دست خدای لطیف و خبیر است. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۴۱) بر اساس آن‌که اصل نفاق در مکه

۱. بقره ۲۵۶

۲. وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (یونس/۹۹)

۳. فَإِنْ جَاحُوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيَّةَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران/۲۰)

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَعَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء/۹۴)

شکل گرفت و منافق وجود داشت، این مطلب تقویت می‌شود که در پذیرش اسلام احراز توافق قلب و زبان لازم نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۲۰، ص ۱۷۲)

#### ۴-۵- اسلام و راه‌های حل اختلاف

اسلام به‌عنوان یک دین جهان‌شمول، راه‌های حل اختلاف را نیز مدنظر داشته است. در همین راستا، در جاهای مختلف قرآن کریم به این مسئله نیز اشاره شده است. به‌عنوان مثال، قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آن‌ها داوری بطلبید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این [کار] برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

همچنین، در آیه‌ای دیگر خداوند برای حل اختلاف زن و شوهر در زندگی خانوادگی این‌گونه فرمان می‌دهد: «و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو [همسر] بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید [تا به کار آنان رسیدگی کنند]. اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آن‌ها کمک می‌کند زیرا خداوند، دانا و آگاه است [و از نیات همه، باخبر است]».

در آیات دیگر نیز، قرآن کریم به اصلاح بین مؤمنان فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «از تو از انفال پرسش می‌کنند، بگو انفال مال خدا و رسول است، پس از خدا بترسید و میان خود صلح برقرار سازید و خدا و رسول او را اطاعت کنید اگر باایمان هستید».

در شأن نزول این آیه آمده است که در میان بعضی از مسلمانان مشاجره‌ای در مورد غنائم جنگی (انفال) واقع شد و آن‌ها خدمت پیامبر گرامی اسلام (ص) رسیدند تا حکم انفال را از آن حضرت بپرسند و جوابی که می‌شنوند نزاعشان را خاتمه دهد. خداوند ابتدا فرمود انفال برای خدا و رسول است، آنگاه دستور اصلاح میان مسلمانان و افرادی که باهم مشاجره کردند، به دیگران داد. منظور از جمله **وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ** این است که آن حالت بد و آن فساد که در

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء/۵۹)
۲. وَ إِن كُنتُمْ فِي شِقَاقٍ بَيْنَهُمَا فَأَعْبُوا حَكْمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَ حَكْمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (نساء/۳۵)
۳. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (انفال/۱)



بیتان رخ نموده و آن تیرگی رابطه را اصلاح کنید. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۹، ص ۶)

اصلاح ذات بین و ایجاد تفاهم و زدودن کدورت‌ها و دشمنی‌ها و تبدیل آن به صمیمیت و دوستی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اسلامی است. امیر مؤمنان علی (ع) در آخرین وصایایش به هنگامی که در بستر شهادت بود به فرزندانش فرمود: «من از جد شما پیامبر (ص) شنیدم که می‌فرمود اصلاح ذات بین از نماز و روزه یک سال برتر است» (دشتی، ۱۳۹۴: ۳۹۸)

همچنین در آیه دیگری قرآن درباره دو گروه از مؤمنان که باهم می‌جنگند، می‌فرماید: «و هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ پردازند، آن‌ها را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد و هرگاه بازگشت و زمینه صلح فراهم شد، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد».

#### ۶-۵- نپذیرفتن ولایت کافران

ولایت در اصل به معنای مالکیت تدبیر امر است و معنای نصرت و محبت نیز می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۳، ص ۱۵۱) گاهی برخی از مسلمانان ضعیف‌الایمان و بیمار دل، ولایت غیرمسلمانان و دشمنان دین را می‌پذیرند و ولایت مؤمنان را کنار می‌گذارند. علت این کار یا این است که آن‌ها از قدرت دشمنان دین می‌ترسند که به ایشان آسیب برسانند و یا طمع دارند که با دوستی با گروهی از کافران از خطر دشمنان دیگر در امان بمانند و یا از دوستی با آن‌ها منافعی ببرند. (مائدة: ۵۲) و این کار باعث می‌شود دشمنی و اختلاف بین مسلمانان زیاد شود، زیرا اگر کسی ولایت کافران و دشمنان دین را بپذیرد، از اخلاق و سبک زندگی آنان تأثیر می‌پذیرد و از صف مؤمنان جدا می‌شود و زمینه نفوذ دشمنان و آسیب به مؤمنان و ایجاد تفرقه و اختلاف بین آنان را فراهم می‌نماید. لذا همان‌طور که قرآن مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده (حجرات: ۱۰) و دستور اتحاد و دوستی و صلح به آن‌ها داده است، (بقره: ۲۰۸) آن‌ها را از اینکه ولایت کافران و سرپرستی آن‌ها را بپذیرند و ولایت مؤمنان را ترک کنند، نهی می‌نماید. از جمله قرآن می‌فرماید: «ای اهل ایمان، مبدا کافران را به دوستی گرفته و مؤمنان را رها کنید، آیا می‌خواهید برای خدا بر [عقاب و کفر و عصیان] خود حجتی آشکار قرار دهید؟».

۱. وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ مَا قَاتَلْتُمَا بِالْغَدْلِ وَآفِسُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (حجرات: ۹)

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عَدُوًّا لَكُمْ سُلْطَانًا مَبِينًا (نساء: ۱۴۴)



با توجه به آیات قبل و بعد این آیه و سیاق آیات، این مطلب را می‌توان استنباط کرد که خدای تعالی ترک ولایت مؤمنان و قبول ولایت کافران را نفاق دانسته و مؤمنان را از وقوع در آن بر حذر می‌دارد. آیات سابق، متعرض حال بیمار دلان ضعیف الایمان است، آنگاه مؤمنان را اندرز می‌دهد که پیرامون این قرق گاه خطرناک نگردند و متعرض خشم خدای تعالی نشوند و حجتی واضح علیه خود به دست خدای تعالی ندهند. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۱۱۸)

قرآن در آیات: (مائده: ۵۱، ۵۷) نیز مؤمنان را از پذیرفتن ولایت کافران و اهل کتاب بر حذر می‌دارد. البته مسلمانان می‌توانند، بدون پذیرش ولایت اهل کتاب و کافران، برخی از روابط تجاری و اجتماعی را با آنها داشته باشند. (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۴۱۰)

قرآن همچنین می‌فرماید: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل نشوید که جهنمی می‌شوید و غیر خدا دوستانی ندارید و یاری نمی‌شوید».

رکون به معنای اعتمادی است که توأم با میل باشد و رکون به سوی ستمکاران، یک نوع اعتمادی است که ناشی از میل و رغبت به آنان باشد، حال چه این رکون در اصل دین باشد، مثل اینکه پاره‌ای از حقایق دین را که به نفع آنان است بگوید و از آنچه که به ضرر ایشان است دم فروبندد و افشا نکند و چه این که در حیات دینی باشد مثل اینکه به ستمکاران اجازه دهد تا به نوعی که دلخواه ایشان است در اداره امور مجتمع دینی مداخله کنند و ولایت امور مسلمانان را به دست گیرند و چه این که ایشان را دوست بدارد و دوستیش منجر به آمیختگی با آنها شود و در نتیجه در جامعه و یا فرد اثر سوء بگذارد. مقصود از ستمکاران، آن عده از مردم هستند که به علامت ظلم شناخته شده باشند، چه این که مشرک باشند یا موحد، چه اهل کتاب باشند و چه مسلمان. بنابراین، رکون و اعتماد بر ستمگران در معاشرت و معامله و خرید و فروش و همچنین اعتماد داشتن به ایشان و در برخی از امور امین شمردن آنان، مشمول نهی آیه شریفه نیست، زیرا رکون در این گونه امور، رکون در دین و یا حیات دینی نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۱۱، ص ۵۰)



## نتیجه گیری

اسلام به عنوان یک دین جهان شمول از زمان ظهور اسلام در شبه جزیره تعاملات بین المللی را به شکل اساسی از خویش متأثر نموده است؛ اما آنچه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، وجود منازعات گسترده و تفرقه در جوامع کنونی جهان اسلام است. در واقع، این منازعات نشان دهنده عدم درک درست از اصول و مبانی قرآن در ارتباط با همگرایی در میان امت اسلامی است. بررسی دقیق و تدبر در آیات قرآن کریم و مطالعه برخی از مهم ترین تفاسیر قرآن درباره همگرایی جهان اسلام، این نتایج را در پی داشت که اختلاف بین مسلمانان، نتیجه جهل علمی و یا شهوت عملی و پیروی از هوا و هوس است، قرآن کریم، برای همگرایی و رفع اختلاف و دشمنی ها، تعالیم بسیار ارزشمندی دارد که دانستن و ایمان و عمل به آن اتحاد و صمیمیت را برقرار و کینه و دشمنی و درگیری را پایان می بخشد.

آیات قرآن بر ارزش والای همگرایی و زشتی اختلاف میان مسلمانان دلالت دارد. قرآن کریم همگرایی و اتحاد و عدم تفرقه را همسنگ اقامه دین می داند. در طرف مقابل، اختلاف را در ردیف عذاب های آسمانی قرار داده و درگیری را باعث ضعف و سستی می داند. در این راستا، قرآن کریم اهل اختلاف را خردورز ندانسته و عدم کینه و دشمنی را از ویژگی بهشتیان و تفرقه را از نشانه های شرک اعلام کرده است.

قرآن اتحاد را کاری الهی و اختلاف را کاری شیطانی می داند. قرآن وقتی به همگرایی و صلح و نیکی و زندگی مسالمت آمیز با غیرمسلمانانی که تعدی و تجاوز به حقوق مسلمانان ندارند، فرمان می دهد، معلوم است که بر همگرایی و آشتی مسلمانان تأکید بیشتری دارد. قرآن مؤمنان را برادر یکدیگر می داند و برای حفظ همگرایی، قرآن به رفتار زیبا همراه با نرمی و محبت و دوری از رفتار ظالمانه، خشن و توهین آمیز و گذشت از خطاهای برادر دینی و نپذیرفتن ولایت کافران دعوت می کند. بر اساس قرآن اکراه در دین جایز نیست و اگر بعد از بیان دین حق، کسی تسلیم آن نشد، نباید با او درگیر شد و باید قضاوت درباره او را به خدا واگذار کرد و اگر کسی اظهار نماید مسلمان است، کافی است و حق نداریم او را غیر مؤمن بنامیم و ایمان درجاتی دارد و با فردی که ضعیف الایمان است، نباید برخورد خشن و سخت گیرانه داشت، مگر در اجرای قانون و حدود الهی. در نتیجه، به نظر می رسد که رفتارهای خشن و واگرایانه گروه های بنیادگرایانه امروزه در جهان اسلام، نه تنها با اصول قرآنی مطابقت ندارد، بلکه این گروه ها درک درستی از



اسلام و واقعیات جوامع اسلامی ندارند. در مجموع می‌توان استدلال کرد که نه تنها مکاتب دیگر بشری هیچ برتری نسبت به اسلام در راستای صلح و ثبات و همگرایی در سطح جوامع بشری ندارند، بلکه آموزه‌های اسلامی - قرآنی می‌تواند نقش پررنگی در ایجاد یک جامعه صلح‌آمیز و ایمن در عرصه نظام بین‌الملل ایفا نماید.



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

## منابع

### قرآن کریم

ابراهیمی و دیگران (۱۳۸۹) رویکرد اسلام به روابط بین الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۲، پاییز و زمستان، صص ۵-۴۲.

ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم، دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره دوم، شماره یکم، بهار و تابستان، صص ۱-۲۸.

پور احمدی، حسین (۱۳۸۹) جایگاه و نقش اسلام‌گرایی در تحولات سیاسی خاورمیانه. مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل (چارچوب‌های نظری، موضوعی و تحلیلی) به اهتمام حسین پور احمدی. انتشارات دانشگاه امام صادق(ع). چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹) تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، وحدت جوامع در نهج البلاغه، قم: مرکز نشر اسراء.

جانز، آنتونی اچ و لاهود، نلی (۱۳۸۹) اسلام و سیاست بین‌الملل. ترجمه رضا سیمبر. انتشارات دانشگاه امام صادق(ع). چاپ اول.

چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۰) دیپلماسی پیامبر اسلام، مجله انقلاب اسلامی، دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره ۶-۵، بهار و تابستان.

حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، تفسیر روح البیان، ج ۱، بیروت: دارالفکر.

دشتی، محمد (۱۳۹۴)، ترجمه نهج البلاغه، قم: آوای قرآن.

زرگری نژاد، غلام حسین (۱۳۸۱) تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: انجمن معارف اسلامی ایران.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.

سیمبر، ارسلان و قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۸۹) اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل ره‌یافت‌ها و رویکردها. انتشارات دانشگاه امام صادق(ع). چاپ اول.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

فخر رازی، محمد (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، ج ۱، تهران: انتشارات الصدر.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۱، تهران: بنیاد بعثت.

قرطبی، محمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قطب، سید (۱۴۱۲) فی ظلال القرآن، ج ۶، بیروت: دارالشروق.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، ج ۳۸، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۶، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.



هانسون، اریک او (۱۳۸۹) دین و سیاست در نظام بین‌الملل معاصر. ترجمه ارسلان قربانی شیخ‌نشین. انتشارات دانشگاه امام صادق(ع). چاپ اول.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priv-۰۷۰۳۰۴

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

صالحی، مجید (۱۳۹۶)، «اصول و مبانی همگرایی امت اسلامی از منظر قرآن» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۷، ش ۳، پاییز ۹۶، صص ۷۳-۹۶



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام